



بررسی تطبیقی نوستالژی در اشعار محمد حسین شهریار و بدر شاکر السیاب

بهاره نیری

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب
www.bnayeri73@gmail.com، دانشگاه تهران

چکیده

اصطلاح نوستالژی یا همان غم غربی و دل‌تنگی در دوره معاصر و به دلیل رویدادهای سیاسی و اجتماعی رنگی دیگر به خود گرفته است. آن چه غم غربت را در وجود انسان‌ها می‌کارد جدایی از جایگاه اصلی، اوضاع و احوال اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، و به طور کلی وضع نابسامان زندگی کنونی است. می‌توان گفت این رفتار ناخودآگاه به منزله یک احساس عمومی در همه افراد متجلی می‌شود. نوستالژی یکی از موضوعات مهم شعر معاصر فارسی و عربی است. از جمله شاعران معاصر که حسرت گذشته‌های خوش از دست رفته و یادکرد آن‌ها در اشعارشان بسامد فراوانی داشته است؛ محمد حسین شهریار و بدر شاکر السیاب هستند. موقعیت و شرایط زندگی، اندیشه و عاطفه قوی و آشنایی با بسیاری از شاعران و بزرگان منجر به برانگیخته شدن حس نوستالژیکی قوی در این دو شاعر شده است. این پژوهش بر آن است، که با بهره‌گیری از نظریات یونگ و فروید و به روش تحلیلی-توصیفی، به بررسی عوامل ایجاد غم غربت و حسرت به گذشته در شعر این دو شاعر نامور بپردازد. بررسی شعر شهریار و سیاب، بیانگر این مطلب است که عمده عامل ایجاد غربت مکانی در این دو، مهاجرت از روستا به شهر است. از دیگر عوامل غربت این شاعران رمانتیک (حدائق در دوره‌ای از زندگی‌شان) شکست و ناکامی در عشق است. علاوه بر آن مسائلی چون ویژگی‌های ظاهری، از دست‌دادن یکی از افراد خانواده نیز در آن دخیل می‌باشد. غربت زمانی این شاعران به دلیل عوامل گوناگونی چون ناخرسندی از زمانه‌ی خود به علت ستم و بی‌عدالتی دولت‌مردان، رسیدن به سن پیری، درد و رنج به دلیل بیماری که بعدها عارض شده است؛ از نتایج این پژوهش است.

واژگان کلیدی: شعر، نوستالژی، شهریار، ادبیات تطبیقی، سیاب

مقدمه

رفتاری است که معمولاً ناخودآگاه در شاعر و نویسنده بروز می‌کند و از همین رو اهمیتی سبک شناختی پیدا می‌کند (۲).

معنی دیگر نوستالژی دل‌تنگی شدید برای زادگاه است. واژه‌نامه انگلیسی آکسفورد، نوستالژی را شکلی از دل‌تنگی که ناشی از دوری طولانی از زادگاه است، تعریف کرده است. نوستالژی در زبان ادبی عصر رمانتیک فرانسه در آثار هوگو، بالزاک و بودلر معنای مختلفی به خود می‌گیرد. در آثار هوگو به معنی درد سوزان دوری از وطن؛ در آثار بودلر به معنی اشتیاق به سرزمین‌های بیگانه؛ اشتیاق برای چیزهای از دست رفته و سرانجام در آثار سارتر به معنی در حسرت یا اشتیاق هیچ بودن. از عوامل ایجاد آن در فرد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: از دست دادن اعضای خانواده یا عزیزی که باعث گریستن و مرثیه خواندن می‌شود (این عامل خود یکی از عوامل احساس غربت است). حبس و تبعید، حسرت برگزیده که عامل گله و شکایت از اوضاع زمان می‌گردد. این مسأله ناشی از آن است که شاعر در دوره پیشین در شادکامی می‌زیسته است. مهاجرت، یادآوری خاطرات دوران کودکی و جوانی و... غم و درد پیری و اندیشیدن به مرگ، و سایر مواردی که جنبه روحی و روانی دارد. سیاب و شهریار به عنوان دو شاعر پرآوازه‌ی ادبیات معاصر عربی و فارسی، با توجه به شرایط فردی و اجتماعی موجود، بخشی از مضمون شعر خویش را به

اصطلاح نوستالژی^۱ از دو کلمه یونانی ساخته شده است: نوستوس^۲ که به معنی بازگشت به خانه است و آلژوس^۳ که معنی "درد" می‌دهد. واژه نامه انگلیسی آکسفورد، نوستالژی را شکلی از دل‌تنگی که ناشی از دوری طولانی از زادگاه است، معرفی کرده است پس در این ترکیب دو واژه درد و بازگشت بسیار حائز اهمیت است. نوستالژی را می‌توان به طور خلاصه یک احساس درونی تلخ و شیرین به اشیاء، اشخاص و موقعیت‌های گذشته تعریف کرد. نخستین بار یک پزشک سوئیس به نام جوهانس هوفر در مقاله‌ای که برای توصیف حالات روحی دو بیمار منتشر کرد این واژه را ساخت و به کار برد. از دیدگاه "آسیب شناسی روانی" نوستالژی به رویایی اطلاق می‌شود که از دوران پر اقتدار گذشته نشأت بگیرد به گذشته‌ای که دیگر وجود ندارد. بازسازی آن ممکن نیست. «وقتی افراد در زندگی‌شان با مشکلاتی رو به رو می‌شوند یا به پیری می‌رسند راهی برای فرار از تنگناها و مشکلات می‌جویند یا آرزوی گذشته‌ای را می‌کنند که در آن زندگی پر شکوهی داشته اند» (۱). نوستالژی اما در ادبیات

1. Nostalgia

2. Nostos

3. Algos